

حکم ترانه و موسیقی

و

دلایلی از کتاب و سنت بر حرمت آن

نویسنده:

عبدالرحمن بن عبدالله بن صالح السحیم

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۳	حکم ترانه و موسیقی و دلایل حرمت آن
۳	سؤال:
۸	فتوا:
۹	فتوا:
۱۵	رای امام جعفر صادق در مورد ترانه و موسیقی:
۱۵	احکام:
۱۶	ترانه و موسیقی در قرآن کریم
۱۷	هدایت استفاده شده از آیات:
۱۸	ترانه در سنت:
۱۹	احکام:
۲۱	حکم ترانه و سُرنا و نی
۲۷	یک وقفه و یک شبهه
۲۹	یک سؤال و جوابش

حکم ترانه و موسیقی و دلایل حرمت آن

سؤال:

این نامه از طریق صندوق پستی به دست من رسید و می‌خواهم پاسخ آن را بدهم: دلایل کسانی که با بحث و مناقشه ترانه را حرام می‌دانند. کسانی که گوش دادن به ترانه، و آوازخوانی را حرام می‌دانند به روایتی از ابن مسعود و ابن عباس و برخی از تابعین استناد جسته‌اند که آنان با استناد به آیه‌ی قرآنی زیر ترانه را حرام دانسته‌اند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [لقمان: ۶].

«و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریشخند می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده‌ای است».

طرفداران حرام بودن ترانه «لهو الحدیث» را به ترانه تفسیر کرده‌اند. ابن حزم می‌گوید: به چندین دلیل حجتی در این استدلال (بر اثبات مدعی) وجود ندارد. ۱- هیچ احدی جز رسول خدا ﷺ حق حجت بودن و اقامه‌ی حجت بر دیگران را ندارد. ۲- بسیاری از صحابه و تابعین با آنها (ابن مسعود و ابن عباس) به مخالفت برخاسته‌اند. ۳- نص آیه احتجاج ایشان بدان را ابطال می‌نماید چون در آن قید ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا﴾ وجود دارد. و این (به تمسخر و استهزاء گرفتن راه خدا) صفتی است که هر کس آن را انجام دهد بدون خلاف کافر می‌شود. زیرا راه خدا را به استهزاء گرفته است. اگر کسی قرآنی را به قصد گمراه کردن مردم و به قصد به استهزاء گرفتنش، بخرد بدون شک کافر می‌شود: و آنچه که در این آیه مورد نکوهش و ذم خداوند واقع شده همین است، و خداوند هرگز کسی را مورد نکوهش قرار نداده که سخنان لهو را می‌خرد، تا با استفاده از آنها خود را سرگرم کرده و

شادی نفس و راحتی درونی به وسیله‌ی آن بدست آورد، و ابداً قصد گمراه کردن مردم از راه خدا را به وسیله‌ی آن‌ها ندارد. بنابراین استناد و استدلال به سخن کسانی که ذکرشان رفت (ابن مسعود و ابن عباس) باطل است. هم‌چنین کسی که خود را به قرآن خواندن و مطالعه‌ی سنت مشغول کند و از این طریق عمداً از ادای نماز واجب خودداری کند، یا خود را به سخنرانی و گفتگو مشغول کند، یا مشغول شدن به مال و ثروت و غیر این‌ها، او را از ادای نماز واجب باز دارد، در مقابل امر خدا فاسق و عصیان‌گر تلقی می‌شود، اما کسی که به کارهای فوق مشغول شود ولی مشغول شدنش او را از نماز باز ندارد نیکوکار به شمار می‌آید. (المحلی: ابن حزم ۶۰/۹ چاپ: المنیریه) و در مقام بیان حرمت آواز و ترانه به فرموده خداوند استدلال کرده‌اند که در مدح مؤمنان می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾ [القصص: ۵۵]. «چون سخنان بی‌فایده بشنوند از آن روگردان شوند».

ترانه هم از جمله لغو است پس روگردانی از آن واجب است. در پاسخ به این استدلال گویم: آنچه از ظاهر آیه استنباط می‌شود این‌که کلمه‌ی «اللغو» به معنای سخن نابخردانه چون دشنام و ناسزا گفتن است و بقیه‌ی آیه ناطق به آن است که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾ [القصص: ۵۵] «چون سخنان بی‌فایده بشنیدند از آن روی گردان شدند و گفتند عمل ما برای خودمان، و عمل شما برای خودتان، سلام بر شما ما نادانان را نمی‌طلبیم».

آیه‌ی فوق شبیه فرموده‌ی خداوند است که در وصف بندگان موصوف به «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» می‌فرماید: ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ [الفرقان: ۶۳].

زمانی که نادانان آنان (عباد الرحمن) را مورد خطاب قرار دهند گویند سلام (بر شما)، اگر فرضاً بپذیریم که مراد از «لغو» در آیه ترانه است، باز هم آنچه از آیه استفاده می‌شود این است که روی گردانی از شنیدن و ستایش نمودن آن مستحب است و در آیه چیزی وجود ندارد که واجب بودن روی گردانی از آن را ثابت کند زیرا کلمه‌ی «لغو» هم

چون کلمه‌ی «باطل» به معنی اشیاء و امور بدون فایده است و گوش دادن به امور بدون فایده اگر باعث تضییع حقوق و بازداشتن انسان از ادای واجب نشود، حرام نیست.

هم‌چنین به این حدیث استدلال ورزیده‌اند که «كُلُّ لَهْوٍ يَلْهُو بِهِ الْمُؤْمِنُ فَهُوَ بَاطِلٌ إِلَّا ثَلَاثَةً، مُلَاعِبَةُ الرَّجُلِ أَهْلَهُ وَتَأْدِيبُهُ فَرَسَهُ وَرَمْيُهُ عَنْ قَوْسِهِ»، «هر سرگرمی که باعث غفلت مسلمانان شود باطل است مگر سه چیز: شوخی مرد با خانواده‌اش و ادب دادن اسبش و تیراندازی کردن». [رواه أصحاب السنن الأربعة وفيه اضطراب]

چنان‌که مشاهده می‌شود ترانه از این سه خارج است، اما آنهایی که گوش دادن به آواز را جایز دانسته‌اند این حدیث را ضعیف پنداشته و گفته‌اند بر فرض صحّت و قوّت باز هم حجت حرمت آواز و ترانه تلقی نمی‌شود چون جمله‌ی «فهو باطل» بر حرمت دلالت نمی‌کند بلکه بر بی‌فایده بودن دلالت می‌نماید. از «ابی الدرداء» منقول است می‌گفت: «من به‌وسیله‌ی چیزی از باطل تمرکز حواس پیدا می‌کنم تا نفسم بر حق قوی‌تر گردد». علاوه بر این [در حدیث] حصر در این سه مراد نیست چون لهو و سرگرمی به‌وسیله‌ی نگرستن بر حبشی‌ها، در حالی که در مسجد رسول خدا ﷺ می‌رقصیدند خارج از این سه امر است، در حالی که این روایت در کتب صحیح به ثبوت رسیده است. و هیچ گمان در این نیست که گردش کردن در باغ‌ها و شنیدن صدای پرندگان و انجام انواع بازی و سرگرمی‌ها، که انسان به آن‌ها برمی‌خیزد همگی حلال هستند، و توصیف هیچ‌کدام از آن‌ها به وصف حرمت جایز نیست، هر چند توصیف آن‌ها به باطل جایز است.

و به این حدیث که امام بخاری آن را - به صورت معلق - از ابی مالک یا ابی عامر اشعری رضی الله عنه روایت کرده استدلال کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «لَيَكُونَنَّ قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يَسْتَحِلُّونَ الْحَرَ وَالْحَرِيرَ وَالْخَمْرَ وَالْمَعَازِفَ» «در میان امت من قومی پیدا می‌شوند که زنا و لباس ابریشم و شراب و ساز و آواز را حلال می‌دانند».

این حدیث هر چند در صحیح البخاری آمده است اما از احادیث (معلقه) بشمار می‌آید نه از «مستندات متصله»، و به همین دلیل و به دلیل منقطع بودن سندش، ابن حزم

آن را مردود دانسته است و هم‌زمان با تضعیف آن با تکیه بر تعلیق، گفته‌اند سند و متن آن سالم از اضطراب نیستند، چون سندش بر «هشام بن عمار» در دوران است، به «المیزان وتهذیب التهذیب» مراجعه شود.

بسیاری از محدثین این حدیث را ضعیف دانسته‌اند، هر چند بر سرِ ثبوت آن سخن فراوان وجود دارد. و در دلالتش بر معنای مورد نظر، سخن دیگری هست، و آن این‌که حدیث در افاده‌ی معنی حرام بودن ساز و پیانو صریح نیست، زیرا واژه‌ی «یَسْتَحِلُّونَ» - چنان‌که ابن الوی - گفته دارای دو معنا است: ۱- عقیده دارند که این آلات حلال هستند. ۲- در معنای مجازی به کار رفته که طلب به‌کارگرفتن این اسباب و آلات است، نه قصد تبیین حکم شرعی، زیرا اگر کلمه استحلال در معنای حقیقی به‌کار می‌رفت مخالفت با آن کفر تلقی می‌شد. به دلیل این‌که استحلال حرام کفر است و به این حدیث استدلال نموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْقَيْنَةَ وَيَبْعَهَا وَتَعْلِيمَهَا» «خداند [نزدیکی با] کنیزک آوازخوان و فروش آن و قیمتش و تعلیم آن را حرام کرده است».

در پاسخ به این استدلال می‌گوییم: اولاً این حدیث ضعیف است. ثانیاً امام غزالی گفته است مقصود از قینه کنیزکی است که در مجلس می‌گساری برای مردان ترانه بخواند، و ترانه‌خوانی زن بیگانه برای افراد فاسق و کسانی که ترس فتنه از ناحیه‌ی آن‌ها موجود باشد حرام است، و مقصود از فتنه تنها چیزیست که حرام باشد. اما آوازخوانی کنیز برای سید و مالکش جایز است، و تحریم آن از این حدیث برداشت نمی‌شود. حتی غیر مالک او نیز می‌تواند در صورت عدم ترس از فتنه، به آواز او گوش فرا دهد، به دلیل روایت صحیحین [بخاری و مسلم] که دو کنیزک در خانه‌ی حضرت عایشه ترانه می‌خواندند (۱/احیاء، ص ۱۱۴۸) این روایت بعداً خواهد آمد.

ثالثاً: کنیزک‌های آوازخوان عنصر مهمی در نظام برده‌داری به شمار می‌رفتند. نظامی که اسلام به لغو و تصفیه‌ی تدریجی آن همت گماشت زیرا بقای این طبقه (برده‌ها) با حکمت و فلسفه‌ی جامعه اسلامی هم‌خوانی نداشت آن‌جا که سخن از نکوهش نگهداری

و فروش کنیزک آوازخوان می‌آید، در واقع یکی از ارکان اساسی نظام ظالمانه‌ی برده‌داری ویران می‌گردد، هم‌چنین به روایت نافع، از ابن عمر رضی الله عنهما استدلال کرده‌اند که چون صدای نواختن نی از سوی چوپانی را شنید انگشت‌های خود را در گوش‌هایش فرو برد و شتر خود را از راه منحرف کرد و گفت: دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله صدای نواختن سازی را شنید و چنین کرد. اصل روایت از ابن ماجه است. و ابوداود آن را حدیث منکر دانسته: احمد ابن ماجه و ابوداود این روایت را نقل کرده‌اند و به این روایت نیز استناد جسته‌اند که می‌گوید: «إِنَّ الْغِنَاءَ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ». «ترانه و آواز نفاق را در دل می‌رویاند».

و این در حالی است که حدیث بودن این روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ثبوت نرسیده است، بلکه آنچه ثابت شده این‌که این روایت، قول بعضی از اصحاب است، پس این روایت رأی شخصی غیر معصوم است و غیر او در مورد آن با او به مخالفت برخاسته‌اند زیرا در میان انسان‌ها - به‌ویژه صوفی‌ها - کسانی هستند که می‌گویند ترانه و آواز باعث نرمش و ترقیق قلب می‌گردد و حزن و پشیمانی بر معصیت را در درون به وجود می‌آورد و شوق به سوی خدا را در دل‌ها به هیجان در می‌آورد. از این رو ترانه را وسیله‌ای برای تجدید نفوس و به نشاط در آوردن عزم و تحریم شوق و علاقه شمرده‌اند و گفته‌اند این امری است که فقط از راه ذوق و تجربه و ممارسه شناخته می‌شود لذا گفته‌اند: هر کسی قوه ذوق و چشیدن داشته باشد از شناخت و معرفت بهره خواهد گرفت. یا شنیدن کی بُوَد مانند دیدن و ... نامه‌ای که از طریق صندوق پستی رسیده بود طولانی‌تر از این است، ولی من تنها گزیده و مختصری از آن را بازگو کردم. و در آن دلایل حرام نبودن ترانه و آواز آمده است، حال مرا راهنمایی کنید و مرا از سرگردانی نجات دهید، خدا شما و من را مورد رحمت قرار دهد.

فتوا:

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد:

بدان - ای سؤال کننده ارجمند - که اگر دلیلی سوای آنچه که تو بیان کرده‌ای در مورد حرام بودن ترانه نمی‌آمد کافی بود تا حرمت آن را ثابت کند. زیرا در رابطه با آیهی شریفه امام ترمذی در مورد شأن نزول آن - از حدیث ابی امامه - نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرموده: «لَا تَبِيعُوا الْقَيْنَاتِ، وَلَا تَشْتَرُوهُنَّ، وَلَا تَعْلَمُوهُنَّ، وَلَا خَيْرَ فِي تِجَارَةٍ فِيهِنَّ، وَتَمْنُهُنَّ حَرَامٌ، فِي مِثْلِ هَذَا أُنْزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ». از خرید و فروش و تعلیم دادن کنیزهای آوازخوان خودداری کنید چرا که خیری در تجارت آنها دیده نمی‌شود و قیمت و بهای آنان حرام است و این آیهی خداوند در مورد امثال آنان فرود آمده که می‌فرماید: «وَمَنْ أَلَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» [لقمان: ۶] «و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد».

این حدیث را البانی و غیر او صحیح دانسته‌اند و البانی آن را در سلسله‌ی صحیحش آورده است. و اگر در امر اسباب نزول قرآن بر اصحاب تکیه و اعتماد نشود بر چه کسی خواهد شد؟

و اما نسبت به این حدیث شریف «لَيَكُونَنَّ فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحَرَ وَالْخَيْرَ وَالْخَمْرَ وَالْمَعَازِفَ» «در میان امت اقوامی پیدا خواهند شد که زنا و ابریشم و شراب و ترانه و ساز را حلال خواهند دانست». هر چند امام بخاری این حدیث را بصورت معلق آورده است، اهل حدیث آن را صحیح تلقی کرده‌اند. ابن حجر می‌گوید: حدیث صحیح و به شرط صحت، معروف الاتصال است.

و بخاری نیز بعضی اوقات چنین می‌کرد، زیرا خود او در جای دیگر از کتابش حدیث را مسند و متصل ذکر کرده است، و بعضی اوقات احادیث را صحیح می‌دانست بدون این‌که اسباب عدم حلال در انقطاع آن را در دست داشته باشد ... و اما آنچه در مورد استحلال (حلال دانستن) آمده است خواه مقصود از آن اعتقاد به حلال بودن آن باشد، یا

معنای مجازی مورد نظر باشد، محض آمدن ترانه با زنا و ابریشم و شراب برای بیان حرمت آن کافی است، با وجود این دلایل فراوان دیگر بر حرمت ترانه و آواز وجود دارد از جمله از رسول خدا ﷺ روایت شده که «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيَّ . أَوْ حَرَّمَ . الْخَمْرَ وَالْمَيْسِرَ وَالْكُوبَةَ، وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» خداوند شراب و قمار و جام شراب را و هر مست کننده‌ای را بر من حرام کرده است - یا حرام کرده است - و برای مزید فایده می‌توانی به فتوای شماره (۱۶۹۴۷) ما مراجعه کنی.

گفته‌اند ابن حزم ترانه را حلال دانسته آیا این صحیح است؟

فتوا:

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أما بعد:

بلی معروف و مشهور است که ابن حزم رحمته الله ترانه و آواز را مباح می‌دانسته، چنان‌که این مطلب در کتابش المحلی (۶۰/۹) آمده است. آنچه که می‌خواهم روی آن تأکید کنیم این‌که: اگر مردم بشنوند که عالمی چون ابن حزم یا غیر او از علما ترانه را حلال دانسته‌اند گمانشان به سوی این می‌رود که ترانه‌های موجود امروزی که در کانال‌های ماهواره‌ای و رادیوها و در تئاترها و سالن‌های کنسرت و سالن‌های هتل‌ها سر داده می‌شوند حلال باشند، و محرمانی که در هم‌چنین مجالسی انجام داده می‌شوند چون آرایش‌های غلیظ و اختلاط زنان و مردان و دعوت به زنا و فساد اخلاقی و شرب خمر، و رقص و نمایش آوازخوانان عریان و نیمه عریان در جلوی چشمان مردان دل‌مریض، و رد و بدل کردن کلمات عاشقانه و خلاف ادب و عفت و ... حلال باشند.

در هم‌چنین مجالسی زنان و مردان به هم تمایل پیدا می‌کنند، و به آوازخوانی و طرب و معصیت خداوند می‌پردازند، این نوع ترانه و امثال آن را هیچ مسلمانی حلال ندانسته است، تا چه رسد به علما و دانشمندان. خصوصاً امام دانشمند چون ابن حزم. علما اتفاق دارند که هر ترانه‌ای که مشتمل بر دشنام و حرف زشت و فسق و تحریک بر معصیت باشد حرام است.

از این جاست که می‌گوییم: هر کس در میان عامه‌ی مردم شایع کند که امام ابن‌حزم آواز و ترانه را مباح دانسته، شایسته است قبل از هر چیز متوجه این نکته باشد که این سخن منجر به چه چیز می‌شود، و از کجا سر در می‌آورد؟ و باید بداند که در چه شرایطی زندگی می‌کند. [آن‌گاه هم‌چنین سخنی بر زبان آورد] گذشته از همه‌ی توجیهات و تأویل‌های فوق، این امر که ابن‌حزم ترانه را مباح دانسته چه فایده‌ی دارد در حالی که رسول خدا ﷺ خود، آن را تحریم کرده و نص صریح بر حرمت آن وجود دارد. و خداوند متعال دستور می‌دهد: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].

چیزهای را که رسول خدا برای شما آورده بگیرید (اجرا کنید) و از آن‌چه که شما را از آن نهی کرده است دست بکشید. و می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

«باید بترسند آن‌هایی که با امر رسول به مخالفت برمی‌خیزند از این‌که به فتنه یا عذابی درآورد مبتلا شوند».

محمد محمود عبدالخالق:

ترانه و آواز در این ایام نقش اساسی در به فساد کشاندن انسان‌ها و دور کردنشان از اسلام به عهده دارند خواه آوازخوان‌ها این امر درک کرده باشند یا خیر؟ برای اثبات این ادعا همین بس که غربی‌ها به شدت فعال و در تلاش‌اند تا میل به ترانه و آواز را در میان مسلمانان بویژه جوانان و نوجوانان رواج دهند. سرسپردگان غرب در منطقه نیز از انجام هیچ تلاش و سعی در این راستا ابا نمی‌ورزند، علاوه بر غرب و سرسپردگانش دعوت‌گرانی که بر در دوزخ ایستاده و مردم ما را به سوی آن هدایت می‌نمایند قصد به فساد کشاندن مسلمانان و انتشار فاحشه‌گری در میان مسلمانان و در ممالک اسلامی را دارند، آن‌ها به شدت فعال هستند تا مسلمین را از قضایای اصیل بازداشته و دین را از برنامه‌های زندگی‌شان دور بدارند، یکی از وسایلی که این منادیان فسق و فجور در راستای

نیل به اهداف خویش از آن استفاده می‌برند ترانه و آواز است. ترانه در نزد این مفسدین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از ادوات مهم رسیدن به اهداف و برنامه‌هایشان به شمار می‌رود. از این رو است که این جریان‌ات شبکه‌های ماهواره‌ای ویژه‌ی ترانه و آواز راه‌اندازی می‌کنند، و شب و روز در پی رقص و آوازخوانی و ترویج فساد و بی‌بند و باری هستند، در برخی از موارد یک روز تمام را با پخش یک برنامه سپری می‌نمایند، تا از این راه اغلب مسلمین را وادار به روی آوردن و استقبال نمودن از این ترانه‌ها نمایند. و آن‌ها را علاقه‌مند به شبکه‌ی ماهواره‌ای خود می‌گردانند. و همه‌ی اوقات آن‌ها را به وسیله‌ی آن‌ها پرکنند. آنچه که جای بسی تأسف است این‌که بسیاری از فرزندان این امت به این شبکه‌ها روی آورده و مفتون برنامه‌های آن‌ها شده‌اند که شکست و عقب‌نشینی بزرگ به‌شمار می‌آید.

هدف اصلی مورد تعقیب این کانال‌ها بیدار کردن و به‌خروش درآوردن فتنه، و شعله‌ور نمودن آتش شهوت در درون مسلمانان، و بازداشتن آن‌ها از ایمان و قرآن، و پرورش دادن ارزشهای فاسد و افکار مخرب در دل مسلمانان است، و این امر بدون شک بسی خطرناک است که لازم است علما و مصلحان امت اسلامی بر آن وقفه‌ای داشته باشند، و گرنه نتایج آن بس خطرناک و زیان‌بار خواهد بود، آن‌گاه همگی گناه‌کار و بی‌گناه پشیمان خواهند گشت. از حضرت ام سلمه رضی الله عنها روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِذَا ظَهَرَتِ الْمَعَاصِي فِي أُمَّتِي أَوْ شَكَ اللَّهُ أَنْ يَغْمَهُمْ بِعِقَابٍ مِنْ عِنْدِهِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا فِيهِمْ يَوْمَنِدُ أَنْاسٍ صَالِحُونَ، قَالَ: بَلَى وَلَكِنْ يُصِيبُهُمْ مَا أَصَابَ النَّاسَ ثُمَّ يَصِيرُونَ إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ».

اگر گناه و فساد در میان امت من رواج پیدا کرد، احتمال می‌رود که خداوند همگی آن‌ها را به عذابی از سوی خود گرفتار کند. عرض کردم ای رسول خدا! مگر در میان آن‌ها انسان‌های صالح وجود نخواهند داشت: فرمود بلی اما آن‌ها هم گرفتار مصیبتی

می‌شوند که عامه‌ی مردم بدان گرفتار شده‌اند، پس از آن خداوند از گناهانشان در می‌گذرد و به سوی مغفرت و رضایت او می‌روند.

این حدیث بر این امر دلالت می‌نماید که بر اثر کثرت معاصی همه‌ی آن‌ها گرفتار عقاب و انتقام خداوند می‌شوند.

از رسول خدا ﷺ سؤال شد آیا اگر صالحان در میان ما موجود باشند گرفتار هلاکت خواهیم شد؟

بلی: اگر فسق و فجور فراوان شود. بر علما و اهل طاعت واجب است در انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نکنند، و جلو خراب کاری و عصیان مردم را بگیرند، شاید عقاب و خشم خدا تخفیف پیدا کند.

احتمالاً بسیاری از مسلمانانی که این ترانه‌ها را می‌شنوند گمان ببرند که شنیدن و دیدنشان هیچ اشکالی ندارد، حتی بعضی می‌پندارند گوش دادن به آواز و ترانه وسیله‌ای برای خروج از حالات یأس و سرگردانی است، برخی هم به قصد وقت‌گذرانی بدان گوش می‌دهند، گروهی نیز به منظور تجدید قوای درونی و تسلیت روحی بدان روی می‌آورند، دسته‌ی دیگری بدین خاطر بدان گوش فرا می‌دهد یا تماشا می‌نماید چون یادآور داستان‌های محبت و عشق با محبوب و معشوق است، گروهی هم فقط بدین علت بدان گوش می‌دهند چون دیگران بدان گوش داده‌اند و می‌دهند، و غیر این‌ها، از عذرهای که برای خود می‌تراشند و گوش فرادهندگان بدان‌ها توسل می‌جویند. گذشته از موارد فوق عده‌ای بدین علت بدان‌ها گوش فرا می‌دهند چون عقیده دارند حلال است، و شنیدن آن اشکال ندارد، عده‌ای هم علی‌رغم اطلاع بر حرمت آن بدان گوش می‌دهند.

در این جا سؤال می‌کنم آیا این عده از حکم شرعی آن‌چه می‌بینند و می‌شنوند؟ و آیا سؤال کرده‌اند، و حکم موافقت یا مخالفت آن با دین را می‌دانند؟

و آیا در گوش دادن به آواز و ترانه اطاعت خداوند نهفته یا معصیت او؟

و آیا ترانه ضد قرآن است یا علاقه و ربطی بدان ندارد؟

و حق است یا باطل؟

و در روز قیامت در میزان حسنات و نیکی‌ها به حساب می‌آید یا در میزان سیئات و بدی‌ها؟ و سؤالاتی از این قبیل.

اگر فرضاً کسی به طعامی روی آورد تا آن را تناول کند ابتدا از مصدر آن پرسش می‌جوید! حتی بعضی اوقات از وضعیت آشپز آن نیز سؤال می‌کند! ولی چرا در سایر مسائل چنین عمل نمی‌کنیم و قلب و درون خود را به آسانی در اختیار دیگران قرار می‌دهیم، دیگرانی که هیچ چیزی از وضعیت آن‌ها نمی‌دانیم، و خیری در آنان نمی‌بینیم. چرا در امور دنیای تحقیق و استفسار می‌کنیم، ولی در امور اخروی بدون احتیاط و اهتمام عمل می‌نماییم؟

من بر گوش فرا دهندگان بر ترانه بانگ و فریاد بر می‌آورم و می‌گویم: قبل از روی آوردن به آن‌ها هزار مرتبه فکر کنید. بر مسلمان واجب است که سعادت و خوش‌بختی خود را در اطاعت از خدا بجوید و هر مسلمانی که گمان ببرد معصیت و گناه او را به‌سوی سعادت و خوش‌بختی می‌برد در واقع نتیجه‌ای جز حسرت و ناکامی نخواهد گرفت، و اگر توبه نکند و به‌سوی خدا بازنگردد و سعادت خود را در اطاعت خدا و عمل به اوامر، و اجتناب از نواهی او نجوید، برای همیشه بدبخت خواهد گشت. من کسانی را که از ارتکاب گناه و آلوده شدن به معصیت اظهار خوشحالی می‌کنند، بیم می‌دهم و برحذر می‌دارم که خوشحالی از گناه و آرزوی انجام آن به مراتب بسی خطرناک‌تر از نفس گناه است، ترس تو از این‌که مردم تو را در هنگام ارتکاب گناه مشاهده کنند بس شدیدتر از انجام آن است، پس نکند که از جمله‌ی کسانی باشی که در مقابل خالق و پروردگارشان اقدام به گناه آشکار می‌نمایند. و خوشحال از انجام آن هستند. برادرم بر امری حریص باش که سود دنیا و آخرت تو را در بردارد، و بدان که زندگی و حیات حقیقی، حیات آخرت است، و سعادت واقعی در رضای خداست.

من بر علما و آگاهان بانگ برمی‌آورم که ای آگاهان هر چه بیشتر از پدیده‌ی رواج یافتن آواز و ترانه سخن به میان آورید، از مردم بیشتر نزدیکی بجوید، و برای آن‌ها به سرمشق و الگوی نیکو تبدیل شوید، راه صلاح و ارشاد و هدایت را به ایشان نشان دهید، نقش خود را به خوبی ایفا کنید، خود را از افراد جامعه و مجالس بیش از این دریغ نکنید، و پرده‌های میان خود و مردم را پاره کنید تا وضعیت از آن‌چه هست به مراتب بدتر نشود. و بدون شک اگر علما و دانش‌مندان نسبت به وظایف خود تلاش نکنند، یکی از اسباب خرابی اوضاع جامعه به شمار خواهند آمد.

در خاتمه‌ی این موضوع یادآوری سخن یکی از علما را خالی از فایده نمی‌دانم که درباره‌ی حکم ترانه مورد سؤال واقع شد. فرمود: اگر به فرض حکم به حلال بودن آن نیز بدهیم وضعیت امت ما اقتضا نمی‌کند به ترانه و گوش دادن بدان روی آوریم. این عالم سخن فوق را حدوداً بیست سال قبل از واقعه‌ی کشتار صبرا و شتیلا (در لبنان) بر زبان راند آری قبل از کشتار چچنی‌ها، و کشتارهای مستمر در فلسطین، قبل از اشغال چچن و حمله‌ی آمریکا به افغانستان و عراق و قبل از تهدیدهای مکرر و فراوان که از هر سو علیه امت اسلامی شنیده می‌شود، تهدید از سوی دشمنانی که به هر وسیله‌ی ممکن دشمنی خود را اعمال می‌کنند، و در همه‌ی میادین و زمینه‌ها و با تمام امکانات به جنگ با مسلمانان برخاسته‌اند. تو را به خدا سوگند می‌دهم اگر عالم یاد شده وضعیت کنونی ما را می‌دید چه می‌گفت؟

پس ای برادر بیا، قبل از فوت وقت بیدار شویم معقول نیست که برادران ما سر بریده شوند، و منازل و مساجد بر سر آن‌ها ویران گردد، و خواهران مسلمان هتک حرمت شوند، و ما مشغول ترانه و خنده و شادی باشیم. و بی‌مبالات از کنار این رویدادها رد شویم. گوئی این مسلمانان هیچ حقی بر دوش ما ندارند، یا اصلاً مسلمان نیستند، پس بیایید که از هم اکنون بر نصرت دینمان حریص باشیم، بر نصرت مسلمانان تأکید ورزیم

و از بذل هر چه در توان داریم در این راه دریغ نورزیم، و اگر در راستای نصرت اسلامی کاری نکرده‌ایم حسابمان نزد خداوند، سخت و دشوار خواهد بود. از خداوند می‌خواهم که اسلام و مسلمین را نصرت و یاری دهد، و ما را وسیله‌ی نصرت دینش قرار دهد. «إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» «همانا خداوند بر هر چیز توانا است».

رای امام جعفر صادق در مورد ترانه و موسیقی:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [لقمان: ۶].

«و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریشخند می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده‌ای است».

امام ابو عبدالله الصادق علیه السلام می‌فرماید: «خانه‌ی که در آن ترانه خوانده شود - یا برای ترانه ساخته شده باشد - از فجایع در امنیت نخواهد بود، و هیچ دعای در آن اجابت نخواهد بود، و ملائک بدان وارد نخواهند شد».

احکام:

- ۱- ترانه و ملحقات آن چون موسیقی و به‌کار گرفتن وسایل مسرت و شادی به همه‌ی انواعش ولو با استفاده از کلمات قرآن یا دعا یا اشعار مشتمل بر امور مثبت که در ذات خود حلال، غیر جایز است.
- ۲- کسب اموال از طریق ترانه به هر شکلی از اشکال مانند پول گرفتن در مقابل آوازخواندن، یا ساختن و فروختن وسایل آن و هر عقدی که به نوعی به آواز و ترانه در ارتباط باشد حرام است.
- ۳- استفاده از نوارهای صوتی و تصویری و سی‌دی‌های مشتمل بر ترانه، و خرید و فروش و تولید و اجاره دادنشان و هر نوع قرارداد و عقد بر آنها حرام است.

- ۴- مشهور است که ترانه‌ی زنان آوازخوان در مجالس عروسی زنان به شرط آن‌که حرام دیگری چون اختلاط زنان و مردان یا سخن حرام و مانند آن، در آن وارد نشود حلال است، اما از باب رعایت احتیاط، ترکش بهتر است.
- ۵- در صورت دچار اشتباه شدن در مورد آواز و ترانه، عرف حاکم می‌تواند ما را از شبهه و سرگردانی رها سازد.

ترانه و موسیقی در قرآن کریم

- ۱- خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [لقمان: ۶].
- «و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریشخند می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده‌ای است.»
- ۲- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾﴾ [المؤمنون: ۱ - ۳].
- «به‌راستی مؤمنان رستگارند آنانی که در نمازهایشان اهل خشوع و تواضع هستند و از امور بیهوده روی گردانند.»
- ۳- ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾﴾ [الحج: ۳۰].
- «از پلیدی‌ها یعنی بت‌ها دوری کنید و از سخن افترا و بی‌اساس بپرهیزید.»
- ۴- ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾﴾ [الفرقان: ۷۲].
- «آن‌هایی که گواهی نا به حق و باطل نمی‌دهند و چون از کنار لغو (امور بی‌فایده) بگذرند بزرگواران از کنار آن می‌گذرند.»

هدایت استفاده شده از آیات:

لهو عبارت از هر قول و فعلی است که خالی از هدفی معین باشد که در نهایت خسارت و زیان برای انسان به بار خواهد آورد، زیرا انسان فقط چند تومان پول نقد در قبال آن نخواهد داد و بس، بلکه ساعت‌های گران‌بها از عمر خویش را صرف آن خواهد نمود، و فرصت‌های خود را فدای آن خواهد کرد ... بدین وسیله از آیات خداوند دور خواهد گردید و آن‌ها را کنار خواهد نهاد.

مفردات لهو حدیث (اقسام سخنان بیهوده) بس فراوانند، اما آنچه - از احادیث مأثور - از رسول خدا ﷺ و اهل بیتش، در تفسیر این آیه روایت شده به وفور نشان می‌دهد که آیه دال بر نهی از ترانه است، به اعتبار این که ترانه یکی از بارزترین مصادیق سخن بیهوده است، چنان که احادیث شریف نیز کلمه «اللغو» وارده در آیه را به گوش دادن به آنچه شنیدن و گوش دادنش حرام است، که شامل فحش و غیبت و پرداختن و فرو رفتن در آیات خدا با هوی و هوس تفسیر کرده‌اند. اما واژه‌ی «اللغو» در برخی از احادیث بر یکی از بارزترین مصادیق آن یعنی ترانه و لهو تفسیر شده است.

و اما قول زور: مجموعه‌ی روایات وارده در تفسیر آن اشاره به این دارند که قول زور به هر قول باطلی گفته می‌شود، و به عنوان یکی از مصادیق بارز قول زور در روایات، به ترانه و ساز و لهو (سرگرمی) اشاره شده است، و پیداست که حکمت و فلسفه حرمت ترانه در شریعت اسلامی مشابه حکمت حرمت شراب و سایر مواد مستی‌آور و مخدر و قمار است، که همه‌ی این‌ها انسان را از یاد خدا باز می‌دارند، و باعث نسیان و فراموشی آخرت می‌شوند، و انسان‌ها را از اقدام برای حل مشکلات اساسی زندگی سست و بی‌حس می‌کنند، و در حقیقت روی آوردن به این مواد نوعی فرار از رویارویی با چالش‌های زندگی تلقی می‌شود که از راه وسایل سرگرم کننده آن‌ها را به بوت‌هی فراموشی می‌سپارند. علاوه بر این، این امور باعث به فساد کشاندن جامعه و سوق دادن آن به سوی جنگ‌ها و نزاع‌ها و به وجود آمدن نفاق می‌شود.

ترانه باعث تشجیع و افزایش فساد جنسی و بی‌توجهی به غیرت و سستی بنیان آن می‌شود. چون افراد هواپرست آن را وسیله‌ی تحریک شهوات و راه‌کاری برای اشباع غریزه از طریق حرام قرار می‌دهند که باعث از هم گسیختن کانون گرم خانواده می‌شود، و آن را با خطرات جدی مواجه می‌سازد. علاوه بر همه‌ی موارد فوق، در ترانه و آواز هم چون مستی‌آورها و مخدرات نوعی اعتیاد وجود دارد زیرا ترانه آثاری خطرناک بر شبکه‌ی اعصاب می‌گذارد.

ترانه در سنت:

۱ - امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خانه‌ی ترانه (ترانه‌سرا) از فجایع در امن نیست و هیچ دعایی در آن اجابت نخواهد شد، و ملائک وارد آن نخواهند گشت.

۲ - در دو آیه‌ی ﴿وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ و ﴿لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾ امام صادق قول روز را به ترانه تفسیر کرده است.

۳ - محمد پسر مسلم می‌گوید: شنیدم ابا جعفر علیه السلام می‌گفت: «ترانه از جمله چیزهایست که خداوند وعده‌ی آتش دوزخ بر آن داده است، بعد این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [لقمان: ۶]. (به ترجمه آن در صفحات گذشته مراجعه شود).

۴ - محمد پسر علی بن حسین گوید: روایت شده که اجر و مزد آوازخوان (آنچه از بابت ترانه دریافت می‌کند) حرام است.

۵ - از امام صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود (من شما را از رقص و پای‌کوبی و سرنا و نی و خلوت با زن بیگانه و جام شراب و طبل نهی می‌کنم).

۶ - امام صادق علیه السلام گوید: نواختن عود، نفاق در قلب می‌رویاند چنان‌که آب باعث سبز شدن سبزیجات می‌شود.

احکام:

- ۱ - ترانه و موارد مربوط به آن چون موسیقی و به کارگیری اسباب مسرت آفرین و سرگرمی حرام هستند، حتی اگر قرآن کریم و کلمات دعایی و اشعار مشتمل بر امور مثبت و مفید و حلال به صورت ترانه خوانده شوند، حرام است.
- ۲ - ترانه را وسیله‌ی کسب روزی و پول در آوردن قرار دادن به هر شکلی از اشکال حرام است، کسی که در مقابل آوازخوانی کرایه و اجرتی دریافت کند، یا آلات ترانه بسازد و ساختن آن‌ها را وسیله‌ی پول درآوردن قرار دهد، و هر عقد و معامله‌ای که ترانه و آواز محل و مبنای آن واقع شود حرام است.
- ۳ - خرید و فروش و اجاره دادن و تولید کردن نوارهای کاسیت ویدئو و سی‌دی مشتمل بر ترانه حرام است.
- ۴ - مشهور است که ترانه‌ی زنان ترانه‌خوان در مجالس زنانه‌ی عروسی بشرطی که مردان با آن‌ها قاطی نشوند و سخن حرام بر زبان نیاورند و امثال این‌ها حلال است اما از باب رعایت احتیاط، ترک آن‌ها بهتر است.
- ۵ - میزان و معیار جداسازی ترانه از غیر آن - در صورت گرفتار اشتباه شدن - عرف حاکم است.

حکم ترانه و سُرنا و نی

بسیاری از علمای سلف ترانه و آواز بدون موسیقی را مکروه دانسته‌اند. و واژه‌ی کراحت در کلام علمای سلف حمل بر تحریم می‌شود.

علمای سلف امت به وفور از ترانه - ولو بدون موسیقی - نهی کرده‌اند. ابن عباس رضی الله عنه گوید: در آیه ﴿وَمِنَ اللَّائِيں مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [لقمان: ۶]. منظور از لهو حدیث ترانه است. ابن مسعود رضی الله عنه گوید: سوگند به خدا منظور از آن [لَهْوَ الْحَدِيثِ] ترانه است.

و هم او گفته: «ترانه باعث روییدن نفاق در دل می‌شود».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ثبوت رسیده که: «در میان امت من قومی پیدا می‌شوند که زنا و ابریشم و شراب و ساز را حلال می‌دانند و اقوامی در کنار کوهی منزل می‌گیرند فقیری از خود آن‌ها برای رفع نیاز و حاجت خویش به سوی آن‌ها می‌آید. می‌گویند امروز برگرد و فردا بیا. شب هنگام خداوند آن‌ها را به عذاب خود گرفتار می‌کند و کوه را بر سرشان می‌ریزد و تعداد دیگری از آنان تا روز قیامت مسخ شده و به میمون و خوک تبدیل می‌شوند. امام بخاری این حدیث را موصول نه، معلق روایت کرده است. شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله گوید: روایت امام بخاری رحمته الله در صحیحش به صورت معلق و مقطوع به، در مورد آلات لهو و ترانه صادق و صحیح است.

فضل پسر عیاض گوید: آواز و ترانه مقدمه زنا است.

خلیفه‌ی اموی یزید پسر ولید می‌گوید: ای بنی امیه از ترانه بپرهیزید چون ترانه حیاء را کم می‌کند و شهوت را افزایش می‌دهد و بنیان مروت را ویران می‌نماید. ترانه نایب شراب است و آنچه که مستی با انسان می‌کند ترانه نیز می‌کند، و اگر نتوانستید از آن اجتناب کنید آن را از زنان دور بدارید چرا که ترانه مقدمه و منادی زنا است.

بیهقی در کتاب «شعب الایمان» روایت کرده است که خالد پسر عبدالرحمن گوید: در لشکر سلیمان پسر عبدالملک بودیم شب هنگام، صدای ترانه بشنید، در اولین لحظات صبح کسی را به دنبال آوازخوان‌ها فرستاد، آن‌ها را آوردند گفت: وقتی اسب شیعه می‌کشد فوراً شتر ماده بسوی او می‌آید، شتر نر صدایی از خود بیرون می‌آورد، شتر ماده بسوی شتابان می‌دود، بز نر صدایی از خود در می‌آورد، ماده بز به طرفش می‌شتابد، مرد هم آواز می‌خواند، زن مشتاق او می‌شود، بعد فرمود این‌ها را اخته کنید. عمر پسر عبدالعزیز گفت: اخته کردن مثله است، و مثله حرام است، بعد آن‌ها را رها کرد. بیهقی در شعب الایمان روایتش کرده است.

ابن القیم رحمته گوید: ترانه دل را به فساد می‌کشد، و اگر دل به فساد کشیده شد در وادی نفاق به هیجان می‌افتد.

و گمان در این نیست اگر ترانه و آواز همراه با آلت موسیقی باشد، تأثیرش بیشتر و حرمتش شدیدتر است.

امام بیهقی رحمته گوید اگر کسی بر آوازخوانی دوام نداشته باشد (یعنی از ترانه خودداری ورزد)، اما به تارزنی روی آورد، این عمل هم به هیچ وجه جایز نیست، چون بنابر آنچه در اخبار آمده است تار زدن بدون ترانه هم غیر جایز است. و احادیثی در این زمینه روایت شده است، و ترانه از جمله باطل به شمار می‌آید.

در مورد حکم ترانه از قاسم پسر محمد سؤال شد گفت: من تو را از آن نهی می‌کنم و آن را دوست ندارم، آن مرد گفت: آیا حرام است؟ گفت ای برادرزاده بنگر آیا وقتی خداوند حق و باطل را از هم تمیز داده است ترانه را در کدام قسمت جای داده؟ یعنی ترانه در قسمت باطل است یا در قسمت حق؟

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته می‌گوید: یکی از مشایخ برای من بازگو کرد که یکی از پادشاهان فارسی خطاب به یکی از مشایخ - که مردم را برای آواز و ترانه جمع کرده بود - گفت: ای شیخ اگر این راه بهشت است پس راه دوزخ کدام است!!؟

حلیمی رحمه الله گوید: قول حرام بودن ترانه از این روست که تشویق به حرام، و فریب دادن در آن وجود دارد، و داخل این فرموده خداست که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: ۲].

«بر گناه و تجاوز هم‌دیگر را کمک و مساعدت نکنید».

امام بیهقی رحمه الله می‌گوید: جماعتی از صحابه روایت کرده‌اند که با خود اشعار زمزمه می‌کردند، اما جواز زمزمه و خواندن آن‌ها به‌صورت آواز در اشعاری صادق است که سرودن آن‌ها حلال و جایز باشد و آوازخوانی به آن‌ها در بعضی اوقات جایز و بعضی اوقات حرام است، اگر از اشعار به‌مثابه‌ی ترانه استفاده شود، و شاعر آوازخوانی به‌وسیله‌ای آن‌ها را بعنوان شغل و صنعتی برای خود برگزیند و به‌وسیله‌ی نسبت داده شدن این اشعار به وی شهرت و معروفیت پیدا کند، امام شافعی رحمه الله می‌گوید شهادت و گواهی دادنش جایز نیست، و این عمل او جزو لهو مکروهی است که به باطل شباهت دارد. و کسی که این کار را انجام دهد سفیه و نادان تلقی شده و مروتش ساقط می‌گردد، و کسی که برای خود به این عمل راضی باشد هر چند عملش حرام انکار تلقی نگردد. در واقع خود را از ارزش انداخته است.

اگر حکم ترانه‌ی بدون موسیقی چنین باشد، حکم آن همراه با موسیقی و ساز و نی چگونه خواهد بود؟

اما ترانه و آوازهای مشتمل بر تشویق فراخوانی به جهاد و دعوت به فضایل، و ترانه‌های که در آن‌ها ستایش و مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد هم‌چون ترانه‌های نزد سلف شهرت نداشته بلکه توسط صوفی‌ها و دراویش وارد حوزه‌ی فرهنگ اسلامی گردیده‌اند.

رضای خداوند به‌واسطه برانگیختن خشم او بدست نمی‌آید، بلکه جلب رضایت خداوند عزوجل از طریق انجام امری که او آن را دوست دارد و از آن راضی است تحقق

می‌یابد، و اگر ترانه محبوب و مورد رضایت خداوند متعال می‌بود قطعاً رسول خدا ﷺ و اصحاب بزرگوار در کسب و استفاده از آن بر ما پیشی می‌جستند.

و اگر باعث تحریک نشاط افراد برای جهاد و امثال آن می‌بود، بی‌شک در استفاده از آن بر ما پیشی می‌گرفتند. بلکه برعکس آن‌چه از اصحاب مشاهده شده این‌که آن‌ها از طریق انجام انواع طاعت و قربات و اجتناب از محرمات، بر تقرب جستن از خداوند حریص بوده‌اند، حتی در میان لشکرها نیز از ترانه و بیهوده‌گویی خودداری کرده‌اند، چنان‌که به نقل از سلیمان پسر عبدالملک رحمه الله قبلاً بیان کردیم که او در تاریکی شب در میان لشکریان خود صدای ترانه شنید و قصد کرد که آنانی را که شب هنگام مشغول آوازخوانی بوده‌اند اخته کند.

و اگر ترانه و آواز در مدح و ستایش پیغمبر ﷺ باشد، باز هم جز محدثات (امور تازه بوجود آمده و بدعت) است، چون ترانه و آوازخوانی در مدح رسول خدا ﷺ تنها بعد از قرن سوم هجری در جوامع اسلامی رؤیت و شناخته شده است.

آیا چه خیری در این وجود دارد که فردی یک‌سال تمام سنت رسول خدا ﷺ را فراموش کند و تنها در یک شب آن هم در قالب آواز و ترانه آن را بیاد بیاورد؟!

حالت چنین انسانی مانند چگونگی رفتار و حالت انسان‌های غربی با مادرانشان است که در طول سال آن‌ها را رها می‌کنند، و فقط یک‌روز به زیارت و دیدارشان می‌روند!

امام ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: شادمانی و تفریح به وسیله‌ی آلات لهو و موسیقی حرام است، حتی اگر در گوش دادن به محبوب‌ترین کلام نزد خداوند - یعنی گوش دادن به قرآن - از نغمه و آهنگ ترانه استفاده شود. پس چگونه در گوش دادن که خداوند آن را حرام نموده (ترانه) استفاده از آن‌ها جایز است؟ آیا پیوست و ضمیمه کردن آن‌چه که خداوند حرامش کرده با آن‌چه که حلال است، حرام را حلال می‌کند، و قسمت حرام را محبوب و مورد رضایت خدا قرار می‌دهد؟

امکان ندارد حب قرآن و حب ساز و آواز با هم جمع شوند.

ابن القیم رحمته الله می گوید:

حب الكتاب وحب الحان الغناء في قلب عبد ليس يجتمعان

محبت قرآن و محبت آواز و ترانه در دل بنده با هم جمع نمی شوند.

از جمله چیزهای محسوس و ملموس این که:

کسی که از آهنگ و ترانه لذت و کام بگیرد، نمی تواند شیرینی و حلاوت تلاوت کلام خدا را بچشد. بلی ممکن است تلاوت مجرد و بدون روح قرآن با آوازخوانی جمع شوند، اما گوش دادن مفید و مؤثر به قرآن، با گوش دادن به ترانه و آواز قابل جمع نیستند. چرا که ترانه جزو کلمات و احادیث لهو است، و انسان را از راه خدا باز می دارد، از این روست که خداوند هنگامی که از ترانه - به لهو الحدیث - یاد می کند و می فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَإِذَا تُلِيَ عَلَيْهِ ءَايَتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝﴾ [لقمان: ۶ - ۷].

«و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریشخند می گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده ای است.»

در جملات: ﴿لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ و ﴿وَإِذَا تُلِيَ عَلَيْهِ ءَايَتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا﴾ دقت کن، می بینی که ترانه سبب بازداشتن از راه خدا است، و کسی که ترانه و آواز را دوست دارد نمی تواند شنیدن و گوش دادن کلام خدا را دوست داشته باشد، بلکه بر عکس کلام خدا بر او سنگین و گران است.

کسی که ترانه را دوست دارد، و بدان گوش می دهد اگر از طریق رادیو و تلویزیون مشغول گوش دادن به ترانه باشد، ولی ناگهان آهنگ قرآن به گوشش برسد چه بسا از شنیدن آن ناراحت و آزرده خاطر شود. بنگر که ترانه و آواز چه اثری بر قلب انسان می گذارد.

از آن چه که مشاهده شد معلوم می شود که ترانه انسان را به سوی مکارم اخلاق و فضایل آن دعوت نمی کند، بلکه برعکس او را به عشق و دل باختگی، محبت و سرگردانی کاذب فرا می خواند.

ترانه دربرگیرنده ذکر محاسن زنان و بچه گان است!

آیا چه خیری در این چنین چیزی وجود دارد؟

یک وقفه و یک شبهه

عده‌ای ادعا می‌کنند موسیقی آرام و نرم، باعث آرامش و راحت اعصاب خواهد شد. اما مسئله چنین نیست، زیرا از نظر طبی نیز به اثبات رسیده است که نفس انسانی آرامش را در قرآن می‌یابد، نه در ترانه. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸].

«آن‌هایی که که ایمان آورده‌اند و دلشان به یاد خدا اطمینان پیدا کرده، بدان که به یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد».

برخی گویند کسانی هستند که به جایز بودن گوش دادن به ترانه فتوا داده‌اند؟

آیا این عمل آنان بر چه چیزی دلالت می‌کند؟

در جواب گویم: در این مورد از دل خودت طلب فتوا کن!

بیشتر جوانانی که مفتون ترانه هستند و بدان گوش فرا می‌دهند به هنگام روزه‌داری از گوش دادن به آن خودداری می‌کنند و اگر آن را مباح می‌دانستند ترکش نمی‌کردند، این عمل شنوندگان ترانه و پیروان فتوای رخصت و اجازه در آن جای دقت و تأمل است.

چندی پیش جوانی درباره‌ی حکم گوش دادن به ترانه از من سؤال کرد، و گفت فلان شیخ در یکی از کانالهای ماهواره‌ای به جواز گوش دادن به آن فتوا صادر کرده است.

گفتم: الآن کاری به فتوا نداشته باشید. خودت چه می‌گویی؟ و در عمق درون خودت چه می‌یابی؟ آیا هنگامی که به ترانه گوش می‌دهی احساس محدودیت و ناراحتی نمی‌کنی؟ آیا زمانی که به ترانه گوش می‌دهی چنان احساس می‌کنی انگار به سخنرانی یا درسی گوش می‌دهی؟

گفت: نه قسم به خدا.

گفتم رسول خدا ﷺ می فرماید: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهِ النَّاسُ»^(۱). «نیکی یعنی اخلاق حسنه و پسندیده، اما گناه چیزی ست که در دل و نفس شما پیدا می شود و تو دوست نداری مردم از آن اطلاع یابند». و ابن مسعود رضی الله عنه فرموده: «گناهان دل ها را به وفور تصرف می کنند». یعنی آثاری از گناه بر قلب و نفس باقی خواهد ماند، و در نتیجه نفس روی آسودگی به خود نمی بیند.

پیغمبر بزرگوار ﷺ قاعده ای برای ما وضع کرده و آن اینکه: «دَعْ مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ»^(۲). آنچه که تو را در شک می اندازد رها کن، و به سوی آنچه که شکی برایت نمی آفریند تمایل پیدا کن.

۱- رواه مسلم.

۲- رواه أحمد و ترمذی و نسائی.

یک سؤال و جوابش

چرا ترانه نفاق را در دل می‌رویاند؟

امام ابن القیم رحمته الله این سؤال را ایراد کرده بعد فرموده:

اگر گفته شود چرا در میان همه‌ی گناهان تنها آواز و ترانه نفاق را در قلب می‌رویاند؟ در جواب گفته می‌شود: این یکی از روشن‌ترین دلایل معرفت و فقه صحابه بر احوال و اعمال دل‌ها و معرفت آن‌ها بر علاج و درمان آن است، زیرا ایشان پزشک و دکتر واقعی دردهای قلبی هستند، نه افراد مریض القلب و منحرف، که از راه و روش آن‌ها انحراف کرده، و پیروی از ایشان برای درمان و معالجه امراض قلبی به مثابه‌ی معالجه مرض جسمی به واسطه سمّی که انسان را می‌کشد است.

آری این پزشکان معالج، این‌چنین با امراض روحی برخورد کرده‌اند، در نتیجه پزشک معالجه‌ی پیدا نشده و هر دم بر مرض و تعداد افراد مبتلا افزون گردیده است، و امراض مزمن هر دم بیشتر سر درمی‌آورند که در زمان سلف اصلاً سابقه نداشته‌اند.

عدول از داروی سودمند شارع (خدا و رسول) و تمایل نشان دادن به داروی که مرض را تشدید می‌بخشد بر مقدار مصیبت افزود و قضیه را بزرگتر کرد، در نتیجه خانه‌ها و بازارها و راه‌ها مملو از افراد مریض گردید، و هر جاهل و نادانی به امر طبابت و معالجه‌ی مردم روی آورد.

ترانه و آواز تأثیر اساسی بر آلوده کردن دل به مرض نفاق دارد، و جوانه‌ی آن را در دل می‌رویاند، چنان‌که آب زراعت را رشد و نمو می‌دهد.

ترانه دل را به سرگرمی و لهو گرفتار، و از فهم و تدبر و عمل به قرآن بازمی‌دارد، قرآن و آواز هرگز با هم در یک دل جمع نمی‌شوند، چون میان آن‌ها تضاد وجود دارد.

قرآن انسان را از پیروی هوی و هوس باز می‌دارد، و او را به عفت و دوری از شهوات امر می‌نماید. و از اسباب گمراهی و پیروی از گام‌های شیطان باز می‌دارد.

در حالی که ترانه به عکس این امور فرا می خواند، شهوات را در درون به هیجان می آورد، و انسان و نفس انسانی را به سوی قبایح تحریک می کند، و او را به سوی تلخ و شیرینی سوق می دهد ... ترانه جاسوس دل است، رباینده مروت است، و سوسه گر عقل است، در عمق دل نفوذ می کند، و بر اسرار درون اطلاع می یابد، به محل خیالات راه می یابد، و هوا و شهوت و پوچی و سستی و بی شرمی و حماقت در درون پرورش می دهد.

مردی می بینی که نشانه‌ی وقار و جمال عقل و حسن ایمان و وقار اسلام و شیرینی قرآن بر سیمای او هویدا است، اگر به آواز و ترانه گوش داد، و به سوی آن تمایل پیدا کرد، گرفتار نقص عقل و قلت حیا و ذهاب مودت و ادب می شود، و شیطان از عمل او خرسند می گردد.

کلام مفصل او (ابن القیم رحمته الله) به پایان رسید.

و در این جا سخنی وجود ندارد که لازم باشد آن را بر کلام ابن القیم بیفزاییم پس رحمت خدا بر او باد و خداوند او را بهشت وسیعش شاد فرماید.
و خداوند برتر و داناتر است.

نویسنده - عبدالرحمن بن عبدالله بن صالح السحیم ۸۴/۳/۴